**صفحه ئی از تاریخ قاجار: چند سند مربوط بتاریخ فراموش خانه در ایران**

**قائم مقامی، جهانگیر**

فراموش‏خانه و چگونگی پیدایی و تحولات آن در دنیا،تاریخ مفصلی دارد تا آنجا که‏ نگارنده میداند هشتاد و پنج مجلد کتاب و رساله و شاید هم بیشتر بزبانهای مختلف و دو مقالهء مستقل بفارسی‏1در مورد آن نوشته شده و فاضل محترم آقای محیط طباطبائی نیز در ضمن ترجمهء حال میرزا ملکم خان،در مقدمه‏یی که بر جلد اول آثار او نوشته‏اند شرحی در خصوص فراموش‏\_ خانه ایران و نسبت تأسیس آن به میرزا ملکم خان ذکر نموده‏اند که با تمام ارزش آن،متأسفانه‏ جنبهء علمی و تحقیقی آن بسیار کم است چه آقای محیط بنابر عادت و روش خاص خود که مراجع و مآخذ مطالب و نوشته‏های خود را بدست نمی‏دهند،در این مورد هم باتکاء حافظه،غالب مطالب‏ خود را از«فحوای ذهنی»نقل کرده‏اند.2

و اما آنچه از نظر تاریخ ایران اهمیت دارد تحقیق در علل و موجبات رسوخ این مکتب در ایران،شناختن عوامل و بنیان‏گذاران و پیشقدمان آن،بررسی تحولات و تغییراتی که احتمالا در چهار دیواری کشور ما در اصول و فروع و قواعد این مسلک بوجود آمده،شرح اثرات و نفوذ آن در سیاست اداری و دولتی و تأثیرش در دیپلماسی دولتهای وقت و بالاخره عکس العمل آن در روابط خارجی ایران با دول دیگر میباشد و این موضوعها با بستگیهای تامی که با تاریخ معاصر ما دارد، بسیار بجاست مورد توجه خاص محققان تاریخ دورهء قاجار قرار گیرد ولی با تمام اهمیت این موضوع، مقصود نگارنده از تنظیم این مقاله منحصرا ارائه چند سند معتبر در مورد فراموشخانهء ایران و بانی‏ و مؤسس آن است که میرزا ملکم خان ناظم الدوله بود.اینک اسناد موردنظر:

سند اول

بلونه‏3،سفیر فرانسه د رایران در گزارش جامعی که بتاریخ ربیع الاول 1278 قمری‏ بوزارت امور خارجهء دولت متبوع خود نوشته است،پس از شرح مبسوط و جامعی راجع بمیرزا ملکم خان،چنین می‏نویسد:

«آقای بارون دوپیشون‏4هم پیش از این،از او[یعنی از ملکم خان‏]با شما صحبت کرده‏ است.نخستین قدم اصلاح‏طلبی او مبارزه برای از میان بردن فساد اخلاق و تباهی بی حد و حصر و دزدی‏های آشکار و مستمریست که دستگاه دولتی ایران را بکلی در هم خواهد شکست.افکار عمومی‏ بر ضد ملکم خان است که میخواست شاه را نجات دهد و او حالا برای پیوستن به مردم،خویش را از شاه کنار کشیده است و بدینجهت مکتب و مقررات فراموش‏خانه را بایران وارد ساخته و هر کسی‏ (1)به فهرست مقالات فارسی تالیف ایرج افشار رجوع کنید.

(2)آقای خان ملک‏ ساسانی هم در کتاب سیاستگران قاجار در شرح حال میرزا ملکم خان اشارتی به موضوع فراموش‏ خانه نموده‏اند.

(3) MBIonnet

(4) Baron dePIchon .این شخص پیش‏ از بلونه سفیر فرانسه در ایران بوده است.

در ایران که تا اندازه‏یی به اصول شرافتمندانه معتقد باشد،امروز در این مکتب درآمده است و ابتدا امام جمعه که رئیس مذهبی است در این راه پیشقدم شده است.با در نظر گرفتن خصایص‏ آسیا،جناب عالی خوب خواهید دریافت که پیوستن امام جمعه به فراموشخانه چه سلاح خطرناکی‏ خواهد بود که بدست شخص کاردان و زیرکی بیفتد و نیز تا چه پایه شاه حق دارد نسبت باین موضوع‏ بدبین و بدگمان باشد.»1

سند دوم

سند دوم نامه ایست بخط سلطان اویس میرزا احتشام الدوله پسر شاهزاده فرهاد میرزا معتمد الدوله که بمیرزا ملکم خان نوشته است و عکس آن در همین شماره بچاپ رسیده در این نامه‏ سلطان اولیس میرزا پس از شرح بیماری چشم خود و ذکر اینکه بمنظور معالجه عازم اروپاست‏ می‏نویسد2:

«...اما مخلص حقیقی شما خیال دارم بلکه از مرحمت شما در این سفر یک دو درجه‏ فراموش‏خانه را به‏بینم و کامل‏تر بشوم.در خدمت سر کار درجهء دوم را تمام کرده به اول درجهء سیم‏ رسیدم.بحمد اللّه از اهل صحرا بودم شهری شدم.دو سال تمام عمر کردم و از چشمهء سار ثلاث‏ نوشیدم.حالا میگویند باید از رئیس آن لژ نوشته داشته باشید.بر سر کار که معلوم است خلاف‏ عرض نکرده‏ام و الحمد للّه خلافی هم در این مدت نکرده‏ام.دوستانه از شما خواهش میکنم که بهر قسم که صلاح بدانید و رسم است نوشته مرحمت کنید که در لج برلین یا پاریس یا جائی دیگر که‏ مجال کردم و خواستم بروم آن نوشتهء سر کار در دست من باشد که ایراد نگیرند و باید انشاء اللّه آن‏ نوشته را با مژدهء سلامتی خودتان به پست مرحمت بفرمائید که در هولند در شهر لاهه در پست‏خانه‏ امانت باشد تا این جانب به لاهه که رسیدم از پست‏خانه مطالبه کنم دریافت کنم.انشاء اللّه محبت‏ خود را دریغ نخواهید فرمود.مخلص شما سلطان اویس میرزا ملقب احتشام الدوله ابن معتمد الدوله فرهاد میرزا ابن ولیعهد عباس میرزا ابن فتحعلی شاه طاب اللّه نراه...»

سند سوم

سند سوم نامه‏ایست که میرزا ملکم خان از لندن نوشته و مخاطب آن را نشناختیم.اصل این‏ نامه که بخط ملکم خان است و در پشت آن اثر مهر او نیز دیده میشود در کتابخانهء وزارت امور خارجهء ایران ضبط است‏3و از فحوای آن برمی‏آید هنگامی نوشته شده که ملکم خان مورد بی‏مهری‏ ناصر الدین شاه بوده و او را به طهران خواسته بودند.ملکم خان در این نامه مفصل می‏نویسد:

«...و اللّه و باللّه هر یک از تکالیف را که اشاره بفرمائید قبول خواهم کرد.بهمه حالت راضی‏ هستم مگر بی‏کاری حتی بی‏کاری را هم قبول خواهم کرد اما بشرط اینکه اسباب‏گذران من مهیا باشد.اگر بخواهند هم گرسنه باشم و هم بی‏کار بمانم این نخواهد شد.من اگر فقط حقه‏بازی بکنم‏ سالی هفت هشت هزار تومان عاید من میشود،اگر فراموش‏خانه برپا کنم سالی بیست سی هزار تومان مداخل میکنم.اگر روزنامه‏نویسی بکنم،باصطلاح قدیمی‏ها هرکس را بخواهم بزانو می‏اندازم،با وصف این چگونه ممکن است که من خود را زنده دفن کنم...».پایان

(1)صفحه 347و 348 مجموعهء شمارهء 31 اسناد مربوط بایران در آرشیو وزارت خارجهء فرانسه‏ (پاریس).

(2)برگ 39 اوراق خطی میرزا ملکم خان مجلد. 1989 SuppI.persan. در کتابخانه ملی پاریس

(3) اسناد رسمی دولتی مجموعهء شمارهء 6059